

# ایران و درام نویسان بزرگ جهان

(۱۳)

دکتر مهدی فروغ  
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

## موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه نویسان معروف جهان

اکنون که به خلاصه داستان نمایشنامه کامبیز آگاهی یافتیم بی‌مناسبت نیست که با توجه به مدارک تاریخی موجود، درباره صحت و احوال حوادث نمایشنامه و احوال اشخاص واقعه، شرح مختصری بیان کنیم تا معلوم شود که نمایشنامه نویسی انگلیسی، چرا و تا کجا، خود را مجبور دیده است، که بوی رعایت مقتضیات درام نویسی، از بیان حقایق تاریخی عدول کند. همانطور که سابقاً اشاره کردیم مأخذ «تماس پرستون» در تنظیم این نمایشنامه تاریخ هرودوت بوده ولی صرف نظر از موارد غیرمتمثل متعددی که در تاریخ هرودوت مشاهده میشود نویسنده نمایشنامه به لحاظ رعایت اصولی که برای تحریک و تهییج تماشاکنان، هنگام مشاهده این نمایش مناسب تشخیص داده تغییراتی در ماهیت داستان و تصویر و توصیف اشخاص بازی و رنگ آمیزی ایشان وارد ساخته است، بقسمی که کبوجیه<sup>۱</sup> پسر کورش بزرگ، و فاتح مصر، فقط بصورت دیوانه‌ای سفاک و عشرت طلبی بی‌باک معرفی شده است.<sup>۲</sup>

در آغاز نمایشنامه مطالبی بصورت پیش گفتار از قول «آگائون»<sup>۳</sup> نقل میشود باین مضمون که: آگائون که اندرزهای خردمندانهاش به خیر و مصلحت شاهزادگان بود، سه پند بایشان داد و عمل به آنرا توصیه کرد: اول اینکه آگاه باشند که وظیفه ایشان حکومت بر مردم است. دوم اینکه بنا بر عدل و داد فرمانروایی کنند و سوم اینکه بیاد داشته باشند که فرمانروایی ایشان ابدی نیست. سپس به گفته‌های «تولی»<sup>۴</sup> اشاره میشود و از قول وی نقل میکند که «شاهزاده قانون محض، یا قانون گویا، و یا مرشد آسمانی است». بعد، به گفته «سینگ» اشاره میکند که مردم اعمال نیک پادشاهان را تقلید میکنند ولی اگر پادشاه از اورنگ شاهی سوء استفاده کند رسوا و زشت نام خواهد شد.

پس از این مقدمه به بیان احوال کامبیز می‌پردازد. و البته واضح است که با ذکر چنین مقدمه‌ای کبوجیه چگونه آدمی معرفی میشود.

همانطور که در خلاصه داستان ملاحظه میشود در این نمایشنامه چندین موضوع مطرح شده که ارتباط آنها بیکدیگر کاملاً منطقی نیست، و همانطور که پروفیسور «اشلی تورن» - دایک<sup>۵</sup> در مقدمه کتاب «تراژدیهای پیش از شکسپیر» میگوید، این نمایشنامه بسیار ناشیانه تنظیم شده است. مقداری از آنچه مطرح میشود تاریخی و مقداری از مطالب را هم نویسنده بنا بر

تمایلات عمومی بآن افزوده است. قسمت مهم داستان نمایشنامه مربوط است به لشکرکشی کبوجیه به مصر، و عشرت‌طلبی وی، و ازدواج او با محارمش، و موضوع بردیای غاصب و کشته‌شدن کبوجیه، ولی چنانکه سابقاً اشاره شده مردم اواسط سده شازدهم انگلیس تمایل زیادی داشتند به دیدن حوادث خشن و خونین و تنفر انگیز و از این لحاظ نمایشنامه‌نویسان این دوره در انگلیس در ضمن اینکه سعی میکردند اصول و مقررات تراژدی را، تا آنجا که از مطالعه آثار «سنگ» میفهمیدند، در آثار خود بکاربرند، از نشان دادن اعمالی حاکی از دغل‌بازی، و زناکاری، و جاه‌طلبی‌های تند، و شهوت، و قتل، و انتقام، و خلاصه تمام اعمال خلاف قانون ابا نداشتند. برای رعایت و بکار بستن اصول معمول در تراژدی‌های «سنگ»، خود را ملزم میدانستند که از وقایع و حوادث زندگی آن طبقه از شاهزادگان و فرمانروایان و بزرگانی استفاده کنند که ستاره اقبالشان، بحکم تقدیر خاموش و کاخ سعادت و شکوه و جلالشان و از گون شده باشد و این سقوط و بدبختی حاصل گناهی بوده باشد که قهرمان داستان بخلاف ناموس طبیعت یا عقاید مذهبی مرتکب شده بوده است. آنچه که درباره سلطنت و لشکرکشی کبوجیه به مصر، و مرگ وی میتوان گفت بطور خلاصه اینست که وقتی کبوجیه قصد لشکرکشی به مصر را کرد مجوسی بنام «پاتی زیتس»<sup>۱</sup> را بعنوان قائم مقام در پایتخت کشور پهناور خویش معین کرد.

کبوجیه برادری داشت بنام بردیا<sup>۲</sup> و کورش پیش از مرگ، پسر بزرگ خود کبوجیه را ولیعهد و جانشین خود تعیین کرده و حکومت چند ایالت بزرگ را به پسر کوچک خود بردیا داده بود. هنوز کبوجیه کاملاً بر اورنگ شاهی مستقر نبود که بر برادر کوچک خود رشک برد و دستور قتل پنهانی او را صادر کرد. این دستور به قسمی مخفیانه انجام پذیرفت، که بجز عده معدودی، کسی را از آن آگاهی حاصل نشد و خواص و عوام مردم، بردیا، پسر کورش بزرگ را همچنان زنده می‌پنداشتند. کبوجیه پس از فرونشاندن شورش‌هایی چند، مصمم شد نیت عمل نشده پدر را، که تصرف کشور مصر بود به انجام برساند. تسخیر مصر کاری بس دشوار بود. یکی بسبب دوربودنش از مرکز دولت هخامنشی و دیگر بجهت محدود بودنش به دریا و بیابانهای خشک و بی‌آب و علف. البته گذشتن از بیابانهای خشک چندان دشوار نبود ولی تصرف مصر بدون داشتن یک نیروی دریایی قوی - نیرویی که بتواند راه رسانیدن یاری و آذوقه را، از راه دریای مدیترانه به ممفیس پایتخت آن سرزمین، و سایر نقاط داخلی آن کشور سد کند، و نیروی زمینی را نیز

۱ - نام این پادشاه بنا بر کتیبه داریوش بزرگ در بیستون، کبوجیه ذکر شده و کامبیز تلفظ تصحیف شده است.

۲ - جاکسون Jackson خاورشناس معروف امریکایی در کتاب خود بنام «تاریخ ایران قدیم و جدید» ۱۹۰۶ Persia, past and present میگوید: «بعد از کورش پسر دیوانه‌اش سلطنت رسید».

۳ - Agathon نمایشنامه‌نویس یونان قدیم، از اهالی آتن که تقریباً در سال ۴۶۶ پ. م. به دنیا آمده و چندین نمایشنامه نوشته که بیشتر بصورت وصفی و نقلی است نه دراماتیک. از جمله ابتکارات وی در تراژدی یکی این بوده که بجای داستانهای اساطیری افسانه‌های خیالی و ساختگی بکار برده است. اریستوفن Aristophenes کمدی‌نویس معروف یونانی، در نمایشنامه خود بنام «تسموفوریا زوسی» Thesmophoriazuseae «آگائون» و «اوریبید» Euripides تراژدی‌نویس معروف معاصر خود را هجو کرده است.

۴ - Tully با احتمال قوی مقصود «تولیوس» Tullius (۱۰۴ - ۴۶ پ. م.) است که در رم برده به دنیا آمد و توسط «سیسرون» Cicèron حکیم و خطیب رومی آزاد شد و سمت دبیری او را یافت و بعد کتاب «گفتارها» Discours و نامه‌های خانوادگی او را منتشر ساخت. خود او نیز کتابهایی نوشته است.

۵ - Prof. Ashley Thorndike

۶ - Patizeithes بعضی از محققان معتقدند که این کلمه تلفظ «پاتی خشایشیه» است به زبان یونانی که بمعنی نایب‌السلطنه بوده و هرودوت آنرا نام شخص پنداشته است. رجوع کنید به ایران باستان پیرنیا، جلد اول، صفحه ۵۱۶.

۷ - داریوش اول در کتیبه بیستون اسم برادر کبوجیه را بردیا ذکر کرده است و «اشیل» تراژدی‌نویس معروف یونان در نمایشنامه ایرانیان سطر ۷۷۴ او را «ماردوس» Mardos گفته و هرودوت او را «اسمردیس» Smerdis نامیده است.

از هر جهت حمایت نماید و در ضمن در مقابل نیروی زورمند دریایی مصر پایدار بماند - امکان‌پذیر نبود .

کبوجیه با توجه به مشکلاتی که در این لشکرکشی در پیش بود ، سپاه عظیمی مرکب از نیروی دریایی وزمینی فراهم ساخت و برای عبور دادن آن از وسط بادیه‌های عربستان و شام ، با رؤسا و شیوخ عرب قراردادهای لازم را بست ، و از طرف دیگر نیروی دریایی فینیقی‌ها را به زیر تسلط خویش کشید ، و در ضمن از همراه شدن ویاری دادن کشورهای دیگر به مصر جلوگیری بعمل آورد . کبوجیه بعد از فراهم ساختن این مقدمات با سپاه مجهز خود عازم مصر شد و پس از مسخر ساختن پلوزیوم<sup>۸</sup> بسوی ممفیس به پیش راند و از راه دریا و خشکی شهر مزبور را محاصره و پس از جنگ سخت و دشواری در سال ۵۲۵ پ . م . آنرا مسخر ساخت ، و فرمانروای مصر تسلیم وی شد ، و ایرانیان ، بنابه روایات موجود تاریخ ، چنانکه معمول ایشان بود با او با احترام و مهربانی رفتار کردند ، بطوریکه هرودوت مینویسد که اگر در صدد ایجاد آشوب و اغتشاش بر نیامده بود احتمالاً فرمانروایی مصر بخود وی واگذار میشد . با تصرف مصر کشورهای مجاور یعنی سیرن و لیبی و برقه نیز ، یکی بعد از دیگری ، تسلیم شدند و در نتیجه ، اراضی وسیعی بدست کبوجیه افتاد و جزء کشور پهناور هخامنشی شد .

این نوع کشورگشاییها به اعتقاد مردم در روزگاران قدیم ، موجب افتخار و سرافرازی بود و چه بسا سردارانی که مقام و شهرتشان در تاریخ منحصرأ به اعتبار همین نوع کشورگشاییهاست و حتی تاریخ به عده‌ای از این فاتحان لقب کبیر داده است ولی پیروزی کبوجیه در مصر موجب شهرت و افتخارش نشد . یکی از علل توجه نشدن به این پیروزی مسلماً این بوده است که بلافاصله پس از آن پیروزی ، کبوجیه از جهان رفت و توفیق نیافت که شخصاً زمینه مساعدی برای تحلیل از این پیروزی فراهم سازد . بهمین دلیل «پرستون» نیز در نمایشنامه کامبیز موضوع لشکرکشی مصر و فتح آن سرزمین را بطور کامل مطرح نمیسازد و بیشتر به واقعه قتل بردیا به امر کبوجیه ، و خسرانهایی که از این بابت برای او پیش می‌آید اکتفا میکند .

اما شرح قتل بردیا بدست کبوجیه با اشاره مختصری ، در بند دهم کتیبه داریوش در بیستون چنین آمده است که : پیش از داریوش ، کبوجیه ، پسر کورش و از دودمان هخامنشی ، شاه بود ، و کبوجیه برادری داشت که با او از یک پدر و یک مادر بود و کبوجیه بردیا را کشت و مردم نمیدانستند که وی کشته شده است . سپس کبوجیه به مصر رفت و پس از رفتن وی به مصر مردم دل از او برکنند و اخبار دروغ در پارس و ممالک دیگر منتشر شد .

کبوجیه نزدیک به چهار سال از پارس دور بود و موقع آن رسیده بود که به پایتخت کشور بازگردد . در راه بازگشت به وی خبر رسید که از سلطنت خلع شده و بجای او برادرش بردیا به تخت نشسته و همه مردم از او اطاعت کرده و او را شاهنشاه خود میدانند . کبوجیه اول تصور کرد که مأمور قتل بردیا به وی خیانت کرده ولی پس از تحقیق بروی مسلم شد که برادرش بردیا بقتل رسیده و مدعی سلطنت مجوسی است بنام گئومات که مردم را فریب داده و به دروغ خود را پسر کورش معرفی کرده است . کبوجیه که احتمال کشته شدن خود را بدست دشمنانش قطعی میدانست پیش از اینکه بدست ایشان افتد ، بنابه مضمون کتیبه بیستون که مسلماً از اسناد دیگر موثق تر است خودکشی کرد . (سال ۵۲۲ پ . م .)

«جرج رالینگسون»<sup>۹</sup> از خودکشی کبوجیه تعجب میکند و میگوید: جا داشت که کبوجیه با این فتح و پیروزی که نصیبش شده بود ، و منطقه وسیع و مهمی را به دامنه متصرفات امپراتوری خود افزوده بود ، و در رأس سپاهی آماده و مجهز به کشور باز میگشت ، و همچنین به اتکای نام پرافتخار پدر خویش ، سعی میکرد دروغ گئومات غاصب را فاش سازد و مردم پارس را بحمايت و پشتیبانی خود وادارد . اما گناه بزرگ برادرکشی مطلبی نبود که کبوجیه بتواند به آسانی برای مردم توجیه کند . به اضافه ، رنج روح فرسای قتل برادر ، که نه تنها بدون نتیجه مانده بود بلکه این عواقب وخیم را هم بار آورده بود ، او را سخت افسرده دل ساخته و موجب شده بود که نیروی تحمل

از وی سلب شود و راهی جز خودکشی در جلو خود نبیند .

از طرف دیگر فاش ساختن دروغ گنومات غاصب بخودی خود کارآسانی نبود چون پارسیان کاملاً معتقد بودند که پادشاه ایشان پسر کورش است . کبوجیه از اینکه حکومت پارس از خاندان هخامنشی و از دست پارسیان خارج شده منقلب بود و بنا به روایت هرودوت در آخرین لحظه‌های زندگی ، به پارسیانی که در صدد بدست آوردن مجدد حکومت قیام نکنند نفرین کرد و این مطلب را « گوبریاس »<sup>۱۰</sup> در موقع طرح نقشه هفت نفریاری ، که به رهبری کورش بزرگ ، به پادشاهی غاصب پایان دادند ، تذکر می‌دهد<sup>۱۱</sup> .

در باب ازدواج با محارم که هم در شرح زندگی کبوجیه<sup>۱۲</sup> و هم در پرده پنجم نمایشنامه کامبیز بصورتی خاص بآن اشاره شده تنها مطلبی که فعلاً میتوان در اینجا ذکر کرد اینست که چنین پیوندها در آئین مزدیسنا بکلی مذموم بوده است<sup>۱۳</sup> و کبوجیه شاید بسبب قدرت و شوکت فوق‌العاده‌ای که داشته خود را ملزم نمیدیده که اعمال و رفتارش با آداب و سنن و مقررات اجتماعی زمان موافق باشد<sup>۱۴</sup> . اگر نسبت آزادی در امر ازدواج با محارم به پیروان آیین مجوسان درست باشد ، شاید بتوان حدس زد که اقدام کبوجیه نتیجه نفوذ پیروان این کیش در آیین مزدیسنا بوده است<sup>۱۵</sup> . و شاید بنا به همین نفوذ هم بوده است که در موقع عزیمت به مصر مجوسی را بجای خود گذاشته است .

با توجه به مطالبی که شرح در کمال اختصار گذشت ملاحظه میکنیم که « توماس پرستون » نویسنده نمایشنامه کامبیز قسمتهایی از زندگی این شاهنشاه را از تاریخ هرودوت اقتباس کرده و آنها را با مطالبی که در دوره قرون وسطی تحت عنوان نمایشنامه‌های اخلاقی نوشته و بازی میشد ، مخلوط کرده و یک مجموعه متوسطی بوجود آورده است . در سه پرده اول این نمایشنامه پنج پرده‌ای ، موضوع عزیمت کامبیز به مصر و باده‌نوشی و عشرت‌طلبی وی مطرح میشود . کامبیز با توصیه بزرگان مملکت سیسامینیز<sup>۱۶</sup> را بجای خود تعیین میکند . در پرده دوم سیسامینیز در اثر اغوای موجودی بدکنش تغییر روش میدهد و کامبیز او را تنبیه میکند و موضوع نشانه گرفتن قلب پسر پراگراس پس ، که در تاریخ هرودوت بتفصیل مطرح است ، در پرده سوم آمده و موضوع بردیا در پرده چهارم و عشق و ورزیدن و کامجویی کامبیز از محارم ، و کشته شدن وی در پرده پنجم مطرح می‌شود .

۸ - Pelusium شهر و بندری بر محب نخستین شاخه رود نیل .

۹ - George Rawlinson فصل هفتم از کتاب پنجم از مجموعه « پنج پادشاهی بزرگ »

#### The Five Great Monarchies

۱۰ - Gobrias در کتیبه داریوش اسم این سردار را گئوبروو ، نوشته‌اند و یکی از هفت نفری است که

نقشه سقوط حکومت گنومات غاصب را به رهبری داریوش بزرگ طرح کردند .

۱۱ - به صفحه ۵۱۹ و ۵۲۱ ایران باستان ، پیرنیا مراجعه شود .

۱۲ - بنا به گفته هرودوت کبوجیه با دو خواهر خود ازدواج کرد که از آن دو یکی را هم ، در مصر کشته است . خواهر دومی اتوساست که ابتداء زن کبوجیه و بعد زن بردیای غاصب و پس از آن زن کورش کبیر شده ، و همانست که در نمایشنامه ایرانیان نوشته اشیل آورده شده است .

۱۳ - به بخش مربوط به عشق و ازدواج ، فصل دوم از مجموعه رسالات دستور داراب پشوتن سانجانا Dastur Darab Peshotan Sanjana مراجعه شود .

۱۴ - شرح ازدواج‌های کبوجیه را با محارم مرحوم پیرنیا در صفحات ۴۹۸ بیعد ، از قول هرودوت بتفصیل بیان کرده است .

۱۵ - رجوع شود به بخش مربوط مذهب در کتاب سوم The Third Monarchy درباره تاریخ ماد تألیف « جرج رالینسون » .

۱۶ - معلوم نشد مصنف نمایشنامه کامبیز این نام را از کجا گرفته است .